

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۹ اگست ۲۰۱۱

ایدئولوژی اجتماعی

ایدئولوژی اجتماعی، ایده های سیاسی، قضائی، اخلاقی، علمی، فلسفی، هنری و مذهبی را در بر می گیرد. این اشکال آگاهی اجتماعی بر یکدیگر تاثیر گذاشته و میان آن ها واکنشی متقابل موجود است. از میان این اشکال، ایده های سیاسی و حقوقی انعکاس مستقیم تر و فشرده تر زیر بنای اقتصادی بوده و خصلت طبقاتی بارزتر و قوی تری دارند و بر دیگر اشکال ایدئولوژی تاثیر مهمی می نهند.

محتوای ایدئولوژی چه راستین باشد و چه دروغین و یا حتی موهوم (مثل خرافات مذهبی)، انعکاس هستی اجتماعی است و همواره به وسیله شرایط تاریخی جامعه تعیین می شود. ایدئولوژی هر جامعه بر آن جامعه منطبق است. ایجاد دگرگونی در هستی اجتماعی (پایه اقتصادی) جامعه به طرز اجتناب ناپذیری، دیر یا زود، سبب ایجاد دگرگونی در ایدئولوژی اجتماعی می شود. آگاهی یا شعور اجتماعی وابسته به هستی اجتماعی است، اما در عین حال از نوعی استقلال نسبی برخوردار است. بارزترین تظاهر این استقلال نسبی واکنش یا عمل متقابل آگاهی اجتماعی بر هستی اجتماعی است. یک ایدئولوژی اجتماعی نوین و پیشرو می تواند به شکل کامل یا کم و بیش کاملی نیاز های عینی تکامل جامعه را منعکس و بازگو نماید. در این صورت، این ایدئولوژی نقش سلاح معنوی طبقه پیشرو و نیرو های اجتماعی مترقی را ایفا کرده به تکامل جامعه کمک شایان می کند. به عکس، یک ایدئولوژی اجتماعی کهن و عقب مانده نسبت به قوانین و نیاز های تکاملی جامعه نقش مخالف و بازدارنده ایفا کرده یک نظام اجتماعی منحل و فاسد و منافع و خواست های طبقات ارتجاعی را نمایندگی می کند. این ایدئولوژی با تحول جامعه در تضاد قرار می گیرد.

در جوامع طبقاتی، بر آگاهی ایدئولوژیک انسان ها همواره مهر طبقاتی خورده است. در درون یک جامعه واحد، از آنجائی که تعلقات و منافع طبقاتی افراد متفاوت است، ایدئولوژی های متفاوت و اساساً متضادی شکل می گیرد. به طور کلی در هر عصری، ایده های طبقه حاکم یک موضع مسلط را اشغال می کند و ایده های طبقات تحت سلطه همواره مورد سرکوب واقع می شوند. میان این دو گونه ایده، تضاد و مبارزه ای دایمی در سطوح مختلف در جریان است. آگاهی اجتماعی راستین، انقلابی و پیشرو همیشه در مبارزه علیه آگاهی اجتماعی دروغین، ارتجاعی و

عقب گرا، پیدایش و تکامل می یابد. کلیه موعظه ها و سخنان بورژوازی و رویزونیست های جدید در باره "ایدئولوژی ماوراء طبقه"، "ایدئولوژی تمام خلق" (مثل "دولت تمام خلقی"، "تمام انسان ها در برابر حقیقت برابرند"، آزادی دموکراتیک مجرد، عشق به انسانیت، هنر برای هنر و...) فقط برای فریب خلق های زحمتکش و حفظ و تحکیم منافع طبقات ارتجاعی که اینان نمایندگی می کنند، به کار می رود.

کلیه طبقات استثمارگر تاریخ تاکنون کوشش کرده اند ایدئولوژی طبقاتی خود را به مثابه ایدئولوژی تمامی جامعه و تمامی خلق وانمود نمایند و از این طریق، سلطه ایدئولوژیک خود را به مثابه یک طبقه از اذهان مخفی کنند و منافع خویش را به عنوان منافع جامعه جا بزنند. اما پرولتاریا نخستین و تنها طبقه ای است که می تواند به صراحت و بدون هراس اعلام نماید که ایدئولوژی وی ایدئولوژی یک طبقه اجتماعی معین است. زیرا فقط میان منافع وی و اکثریت عظیم زحمتکشان، میان جهان بینی وی و سمت تکاملی جامعه خویشاوندی وجود دارد.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم